

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید مصطفی هاشمی^۱ عبدالرضا فرجی‌راد^۲ رحیم سرور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۳۰

چکیده

حوزه ژئوپلیتیک عراق دارای نیروهای همگرا و واگرایی است که تحت شرایط خاص عمل می‌کنند و دائم با یکدیگر در حال رقابت هستند. عراق با تحولاتی روبه‌رو بوده که به تغییر و تحول در ساختار قدرت و هویت آن منجر شده و نتیجه‌ای جز دگرگونی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران و کنشگران منطقه‌ای نداشته است. گروه‌های قومی و مذهبی، هیدروپلیتیک، هویت ملی و هویت عربی، منابع نفتی و درآمدهای عظیم ناشی از آن و کیفیت دسترسی به خلیج فارس و ... در آمایش و روند تحولات عراق، باعث اتخاذ راهبردهای ژئوپلیتیک شده که بسته به وضعیت عراق و نوع و ترکیب حکومت این کشور، بر امنیت ملی ایران اثر گذاشته، به دشمن، رقیب راهبردی و یا شریک استراتژیک جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌شود. پژوهش ذیل با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و ضمن بررسی جغرافیای سیاسی، فضای درونی، تاریخی و ژئوپلیتیک عراق، به مجموعه الزامات فضایی، امنیتی و سیاسی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، عراق

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
m.hashemi2006@gmail.com

۲. نویسنده مسئول) دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران
a.farajirad@yahoo.com

۳. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران rahim.sarvar@gmail.com

۱- طرح مسأله

عواملی همچون تقابل ایران و آمریکا، تغییر در آرمان‌های حماس، کاهش و خلع سلاح‌های هسته‌ای، صلح اعراب و اسرائیل، حاکمیت دریایی چین و نگاهی دوباره به موضوع‌های پنج‌گانه ژئواستراتژیک جهان، نشان می‌دهد که هنوز هم خاورمیانه قلب تپنده سیاست در جهان معاصر است (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و ایران و عراق به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در مقاطع تاریخی، همواره تحت‌تأثیر کنش‌های هم‌گرایانه/واگرایانه برخاسته از واقعیت‌های جغرافیایی فی‌مابین و منطقه بوده‌اند؛ زیرا عامل جغرافیا به‌گونه‌ای خود را به نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۸۸: ۹۲). تا پیش از شکل‌گیری دولت‌های مدرن در خاورمیانه، نوعی پیوستگی جغرافیایی و وابستگی تاریخی میان ایران و عراق وجود داشت. این پیوستگی در برهه‌های زمانی به‌علت کشورگشایی‌های امپراتوری‌های ایران به سمت اروپا و آفریقا وجود داشت و در زمان حمله خلیفه دوم به ایران؛ که به شکست امپراتوری ساسانی انجامید، نمود بیشتری یافت. این پیوستگی، در برهه‌های تاریخی، در قالب وابستگی ژئوپلیتیکی فرهنگی، سیاسی، نظامی و... نمود می‌یافت. با این حال، پس از شکل‌گیری حکومت ملت پایه در عصر صفویه و پس از تغییر چندباره حاکمیت سیاسی عراق؛ میان ایران و عثمانی؛ ارتباط جغرافیایی ایران با شامات به‌علت تسلط امپراتوری عثمانی بر این منطقه، منقطع شد. با خروج نیروهای عثمانی از عراق، این کشور تحت قیمومیت جامعه بین‌الملل و سرپرستی بریتانیا قرار گرفت و نظام پادشاهی در این کشور شکل گرفت. با استقلال پادشاهی عراق از بریتانیا در ۱۹۳۲م، فرایند سیاسی شکل‌گیری دولت مستقل عراق آغاز شد. با وجود این، به دلیل نیاز بریتانیا به نفت عراق و وضع حساس نظام جهانی، این کشور همچنان از پایگاه‌های نظامی و اجتماعی خود در عراق بهره می‌برد. با کودتای سال ۱۹۳۷م، و سقوط رژیم پادشاهی در عراق، تا سال ۱۹۶۸م چندین بار قدرت میان نظامیان دست‌به‌دست شد و

درنهایت، با کسب مسند قدرت توسط حزب بعث عراق، احمد حسن آباد به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور عراق، زمام قدرت را در اختیار گرفت و پس از وی، صدام حسین بر مسند قدرت در عراق تکیه زد. بدین ترتیب، به‌موازات تغییرات قدرت در عراق؛ در ایران نیز روندهای سیاسی در حال انجام بود و رخدادهای بسیاری در فضای سیاسی ایران شکل گرفت. به‌مجرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، صدام حسین با توجه به بی‌ثباتی ایران (و البته، خواست نظام ژئوپلیتیک بین‌الملل وقت)، مناقشات مرزی میان ایران و عراق را که بازمانده دوران پهلوی بود، بهانه قرار داد و تلاش کرد با طرح‌ریزی منازعه مستقیم، از فرصت پیش‌آمده در جهت خارج کردن عراق بهره بگیرد و به موقعیت برتر ژئوپلیتیک در منطقه دست یابد. روندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکم بر نظام بین‌الملل در آن زمان، به‌موازات سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورهای منطقه، سبب شد منازعه طولانی شود. به‌رغم اتمام جنگ، منازعه میان دو کشور خاتمه نیافت و باگذشت ربع قرن از پایان جنگ و سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و خارج شدن حزب بعث از فرایند سیاسی عراق، همچنان روابط دو کشور ایران و عراق تحت‌تأثیر یک مجموعه بنیادهای ژئوپلیتیک قرار دارد که این بنیادها، روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده، قابلیت تغییر ژئوپلیتیک روابط خارجی را دارد. در تحقیق پیش‌رو برآنیم ضمن بررسی بنیادهای ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق، اثر آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کنیم. سؤال پژوهش این است که «بنیادهای ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط دو کشور ایران و عراق چه هستند و چه اثری بر امنیت ملی ایران دارند؟» به‌نظر می‌رسد نفت، مذهب و مرزهای مشترک، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بنیادهای ژئوپلیتیک مؤثر در روابط ایران و عراق است.

۲- روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است و به روش تحلیلی و تفسیری

انجام شده است. یافته‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای (شامل کتب، نشریات و اینترنت) و مصاحبه با استادان دانشگاه و خبرگان امنیتی و حضور در جلسات خبرگی گردآوری شده است.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱. سیری در ادبیات پژوهش ژئوپلیتیک: زیربنای این تحقیق مبتنی بر سه مقوله شیوه پژوهش ژئوپلیتیک و دو کلیدواژه ژئوپلیتیک و استراتژی است؛ گرچه از آغاز شکل‌گیری مبحث ژئوپلیتیک تاکنون تعابیر زیادی از آن شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸). به اعتقاد هاوس هوفر، ژئوپلیتیک منطقی برای شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکانات جغرافیایی است (Troil, 1949: 116 C.). پسوند سیاست در این اصطلاح، سیاست روز یا حتی سیاست دولت نیست؛ مگر آنکه دولت راهبرد ژئوپلیتیک را در دستورکار درازمدت خود قرار دهد. سیاست در ژئوپلیتیک بر اساس کارآمدترین تئوری‌ها از جایگاهی پنج‌وجهی برخوردار است:

۱. منظور از پیوند سیاست در این واژه، سیاست خارجی است، نه هر سیاستی (آریانپور، ۱۳۶۳).

۲. پسوند سیاست در این واژه دارای بار استراتژیک است. چنانچه استراتژی بر پایه تعریف پنتاگون به فن یا هنر ترکیب قدرت ملی (دربرگیرنده شش توانمندی ملی) به‌منظور دستیابی به پیروزی بر دشمن به‌هنگام جنگ یا صلح دانسته شود، ژئوپلیتیک را می‌توان استراتژی جغرافیایی نامید. چنین تعبیری تا حدودی متمایزکننده سیاست کابینه از سیاست ژئوپلیتیک است.

۳. بر اساس بند قبلی، تنها کشورهایی که دولت‌ها و نظامشان از راهبرد ژئوپلیتیک پیروی می‌کنند، به پایداری و ثبات امنیتی میل دارند. برعکس، دورشدن از استراتژی و

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۶۷

رهیافت‌های آن، به معنای دور شدن از بقای ملی و امنیت ملی است. در واقع، همان‌گونه که جفری پارکر باور دارد: ژئوپلیتیک دانشی است که راه دستیابی به اساس جغرافیایی قدرت ملی و سرزمینی را به رهبران کشورها نشان می‌دهد (Parker, 1988: 168).

۴. از دیدگاه استراتژی ژئوپلیتیک، هر کشوری، برپایه قدرت خویش، توانایی مشخصی داشته، شعاع عملکرد جغرافیایی آن برپایه همان میزان قدرت تعریف می‌شود. بنابراین، قدرت در سطوح پنج‌گانه جهانی، فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ملی تقسیم‌بندی می‌شود.

۵. سیاست ژئوپلیتیک دارای سه بُعد سرزمینی، درازمدت و راهبردی است؛ بنابراین، بار استراتژیک دارد. استراتژی ژئوپلیتیک مبین پنج‌گانه فوق است.

۲-۳. **استراتژی ژئوپلیتیک:** استراتژی ژئوپلیتیک خط‌مشی یک دولت برپایه واقعیات فضایی-جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیک ثابت و متغیر است که می‌تواند به اهداف و منافع ملی خود برسد و مانع رسیدن رقبای خود به اهدافشان شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸). استراتژی ژئوپلیتیک، برنامه‌ای جامع و یکپارچه برپایه نگرش استراتژیک کشور نسبت به محیط پیرامونی و بین‌المللی است که بر محور ادراک کشور از منافع حیاتی خود نسبت به محیط پیرامونی‌اش شکل گرفته است. این مفهوم برای نخستین بار توسط هاوس هاوفر وارد ادبیات ژئوپلیتیک شد. به اعتقاد وی، آلمان و روسیه دو قدرت بزرگ در اروپا هستند که باید به همکاری بر اساس اشتراک منافع برسند (عزتی، ۱۳۷۹: ۳۲).

۳-۳. **بنیان ژئوپلیتیک:** به مجموعه عوامل ژئوپلیتیک و پدیده‌های انتزاعی که حاصل رابطه و تأثیر متقابل عوامل جغرافیایی و سیاسی بر یکدیگرند، اطلاق می‌شود؛ درحالی‌که این عوامل نه صرفاً عامل جغرافیایی و نه سیاسی است؛ بلکه محصول کنش و واکنش پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در فضا است که به تولید قدرت منجر می‌شود (حسین‌پورپویان، ۱۳۹۲: ۱۶۹). بنیان‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان متغیرهای مستقل و وابسته در روندهای نظام ژئوپلیتیک

جهانی، منطقه‌ای و ملی نقش ایفا می‌کنند و در یک رابطه ژئوپلیتیک، به اعتبار وزنی که هر یک از این عوامل دارند، باعث برتری ژئوپلیتیک پدیده‌های جغرافیایی سیاسی می‌شوند (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۱).

در چارچوب مفهومی ژئوپلیتیک، هریک از این بنیان‌ها، عنصر ژئوپلیتیک هستند که به اعتبار ویژگی ذاتی و نقشی که در یک رابطه به خود گرفته‌اند، به ساخت ژئوپلیتیک جدیدی در نظام جهانی، منطقه‌ای و یا ملی منجر می‌شوند. بنابراین، عناصر ژئوپلیتیک، بنیان‌های ژئوپلیتیک بالقوه‌ای‌اند که قابلیت شکل‌دهی ساخت ژئوپلیتیک را دارند. از جمله این عناصر ژئوپلیتیک که توان تبدیل به بنیان‌های ژئوپلیتیکی را دارند، می‌توان به: ۱- هسته‌های مرکزی و تاریخی (رابط محیط فیزیکی هسته و نظام سیاسی؛ مرکز توسعه دولت و تداعی هویت‌های ملی، منطقه‌ای و ایدئولوژی مبرز)؛ ۲- پایتخت و مراکز سیاسی (دارای کارکرد اداری و قانون فعالیت‌های سیاسی حکومت و قلمرو سیاسی رفتارهای متقابل حاکمیت و مردم با انعکاس مستقیم در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی)؛ ۳- آیکومنی‌ها (نواحی فعال اقتصادی شامل زیرساخت‌های ارتباطی، منابع معدنی، ذخایر انرژی و زیرساخت‌های صنعتی)؛ ۴- سرزمین مؤثر ملی و منطقه‌ای؛ (مناطق با جمعیت متوسط، منابع قابل قبول و توان توسعه‌ای بسیار بالا)؛ ۵- مناطق خالی؛ (مناطق فاقد جمعیت ساکن با ظرفیت دفاعی- امنیتی)؛ ۶- مرزها؛ مبین حدود قلمرو سیاسی حکومت) و ۷- بخش‌های غیرهمسان؛ (بخش‌های جدایی طلب اقلیت‌ها در داخل دولت) (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۴).

۳-۴. روابط ژئوپلیتیک: به مجموعه روابط بازیگران و کنشگران سیاسی ذیل سه‌گانه سیاست، جغرافیا و قدرت اطلاق می‌شود. جغرافیا، بستر برقراری رابطه میان چند بازیگر سیاسی؛ سیاست اداره دو بازیگر سیاسی از ماهیت رابطه و قدرت مبین شکل، الگو و نگرش بازیگران نسبت به یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۲-۳۶۳). روابط ژئوپلیتیک

دارای اشکال متفاوتی، همچون: تعامل، رقابت، تقابل، منازعه، سلطه و نفوذ است. این الگوها تابعی از نحوه ترکیب و تعامل عناصر جغرافیا و سیاست در بستر زمان است.

۳-۵. **کد ژئوپلیتیک:** دستورکار عملیات سیاست خارجی یک کشور که به ارزیابی مکان‌های جغرافیایی در ماورای مرزها می‌پردازد (Taylor, 1994: 80) و مبنای تدوین استراتژی‌های خرد و کلان و طرح‌ریزی نقشه عملیاتی مسیرهای توسعه ملی و فراملی است. در نظام منطقه‌ای اگر کدهای ژئوپلیتیک کشورهای منطقه با اهداف و منافع (ملی و منطقه‌ای) یکدیگر در تضاد باشد، منطقه به‌جای حرکت به سمت صلح و ثبات به‌سوی درگیری، مناقشه و منازعه می‌رود. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای منوط به کدهای ژئوپلیتیک متعارض و غیرمتعارض در نظام منطقه‌ای است که سبب جهت‌دهی سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹).

۳-۶. **امنیت ملی:** مفهوم امنیت ملی پس از جنگ جهانی دوم در محافل دانشگاهی استفاده شد؛ اما موجودیت این مفهوم در بستر تاریخی و طی قرن‌ها شکل‌گرفته بود. سرآغاز پیدایش این مفهوم به قرارداد وسفالیا و شکل‌گیری دولت ملی می‌رسد. در این زمان به‌مجرد پایان نزاع میان گروه‌های مذهبی و شاهزاده‌ها و تأسیس دولت ملی، حفظ و بقای ملی اهمیت بسیاری یافت؛ به‌گونه‌ای که تأکید بر امنیت ملی مهم‌ترین موضوع بوده است (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۵). برای برآورد و پیش‌بینی‌های امنیت ملی به‌مواردی، همچون: امکانات، تعهدات، آسیب‌پذیری‌ها، فرصت‌ها، تهدیدات، فرهنگ استراتژیک کشور، ساختار امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی توجه می‌شود (امیری، ۱۳۹۴: ۲۷). بنابراین، هر نظریه‌پرداز و یا کنشگر سیاسی، امنیت ملی را بنا بر مقتضیات زمانی، مکانی، ساختاری و اندیشه‌ای خود تفسیر می‌کند. از نگاه باری بوزان، امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف، از لحاظ تعریف، مبهم؛ ولی از لحاظ سیاسی مفهومی قدرتمند است.

در تعاریف کلاسیک، همواره فرض بر وجود تنازع و برخورد است؛ بنابراین، بر ابعاد نظامی این مفهوم تأکید می‌شود. از این رو، ارتقای سطح توان نظامی و تسلیحاتی یک کشور که توان مواجهه با تهدیدهای خارجی را دارد، در راستای امنیت ملی کشور است (بلیس، ۱۳۷۸: ۲۹). اندیشمندان تأمین امنیت ملی را منوط به تأمین منافع ملی و دورنگه‌داشتن ارزش‌های یک ملت از گزند تهدیدهای داخلی و خارجی می‌دانند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۵). تأمین امنیت ملی نیازمند مجموعه کاملی از اقدامات پیشگیرانه به‌وسیله حکومت‌هاست که بر دو مؤلفه قدرت ملی و اقتدار ملی شکل می‌گیرد و با به‌کارگیری سیاست‌های ملی، قدرت مالی، دیپلماسی و طراحی نظامی مرتفع می‌شود (امیری، ۱۳۹۴: ۲۳).

جدول ۱: شاخص‌های امنیت

شاخص‌های عمده امنیت	
۱- حفظ موجودیت کشور از تهدیدهای نظامی	امنیت
۲- حفظ نظام سیاسی و جلوگیری از تهدید نسبت بدان	
۳- حفظ نظام اقتصادی و جلوگیری از تهدید نسبت بدان	
۴- حفظ ارزش‌های حیاتی و جلوگیری از تهدید نسبت به آنها	
۵- دوام و قوام‌دادن انسجام ملی	
۶- فراهم کردن رفاه اقتصادی برای مردم	
۷- حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن	

(امیری، ۱۳۹۴: ۲۷)

۴- محیط‌شناسی تحقیق

۴-۱. استراتژی ژئوپلیتیک عراق: جغرافیای عراق، محل پیدایش و رشد بسیاری از نمودهای درخشان فرهنگی و مدنی و از طرفی، محل بروز تعارض، هم‌آوردی و کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری تعارضات مذهبی و فرهنگی بوده است

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۱

(موجانی، ۱۳۹۴: ۱۸). عدم بلوغ ژئوپلیتیک عراق ناشی از جغرافیای سیاسی نابسامان آن است که به موازات تحولات بین‌المللی تغییر می‌کند. با فروپاشی و تجزیه ارضی امپراتوری عثمانی؛ سنگ بنای عراق بر محور سه فضای جغرافیایی: ۱- موصل؛ محل استقرار کردهای عراقی، ۲- بغداد؛ فضای جغرافیایی اهل تسنن و ۳- بصره؛ فضای جغرافیایی شیعیان عراق گذاشته شد. با آغاز فرایند زیست سیاسی- ملی عراق؛ این کشور یک دهه تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت؛ اما با کسب استقلال، گروه‌های سیاسی به قدرت رسیدند و با سقوط رژیم پادشاهی، حکومت جمهوری جایگزین رژیم پادشاهی شد و حزب بعث با کودتا علیه قاسم، قدرت را در اختیار گرفت (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۹). حضور بعثی‌ها در رأس حاکمیت عراق به موازات شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و بروز تلاطم در ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه، موجب تغییر در استراتژی ژئوپلیتیک عراق شد. تنگنای ژئوپلیتیک عراق و گسست در ساخت ژئوپلیتیک ایران، سبب شد عراق درصدد گسترش ژئوپلیتیک خود برآید. بنابراین، اقداماتی نظیر هم‌پیمانی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای بر مبنای هویت‌های ملی، فشار سیاسی- نظامی و شکل‌گیری منازعه مستقیم با ایران و حمله به کویت، همگی جزو سیاست‌های منطقه‌ای عراق بود که باهدف بسط ژئوپلیتیک عراق و تثبیت قدرت منطقه‌ای این کشور در این منطقه رخ داد (مجتهد زاده، ۱۳۹۴). واکنش منفی قدرت‌های جهانی به حمله عراق به کویت و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به آن؛ سبب انزوای ژئوپلیتیک بیشتر عراق شد و افزایش فشارهای بین‌المللی و حمله نظامی آمریکا، به سقوط رژیم بعث منجر شد. حذف حزب بعث و خلاء حاکمیت مقتدر در صحنه قدرت عراق، با حضور بازیگران و کنشگران با وزن‌های متفاوت همراه شد و عاملی شد تا طیف‌های سیاسی درصدد سهم‌خواهی قدرت در عراق باشند. خلاء حاکمیت مقتدر و یکپارچه سبب شد تا گروه‌های اجتماعی و طیف‌های سیاسی ضمن اعلام موجودیت، درصدد اعمال حاکمیت جداگانه بر پهنه سرزمین

تحت تسلط خود برآیند. تفرق اجتماعی و مذهبی سبب شده‌است تا در دهه اخیر استراتژی ژئوپلیتیک عراق متمرکز بر احیای دولت-ملت‌سازی شود و درصدد تقویت هویت ملی ازهم‌گسیخته خود باشند که تحت تأثیر هویت‌های قومی-مذهبی، به سمت واگرایی و تجزیه قرار گرفته‌اند (فرجی راد و دیگران، ۱۳۹۴).

۲-۴. **استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران:** موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دو قرن اخیر به‌نحوی بوده‌است که در موقعیت حائل در میان دو سازه قدرت جهانی قرار گرفته و عاملی شده‌است تا برای تأمین منافع ملی خویش به تعامل مؤثر و فعال با سازه‌های قدرت پیرامونی نیاز داشته باشد. لازمه تعامل فعال و مؤثر با سازه قدرت‌های پیرامونی، برای کشوری که در موقعیت حائل قرار دارد، این است که سیاست خارجی بی‌طرفانه، مثبت، فعال و تأثیرگذار داشته باشد. انفعال در برابر قدرت‌های پیرامونی سبب بروز کشمکش و وقوع انواع بحران‌های قومی، ملی و مذهبی در درون مرزهای ملی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۶). مناسب‌ترین شرح وظایف حکومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی بر مبنای ارزش‌هایی است که به همگرایی منطقه‌ای منجر شود (فرجی راد، ۱۳۹۴). سقوط رژیم بعث و مشارکت گسترده نیروهای آمریکایی و اروپایی در عراق؛ به‌موازات فعالیت‌های نظامی ناتو که باهدف حرکت به سمت شرق و همجواری با مرزهای سیاسی و ژئوپلیتیک روسیه صورت گرفته بود و به شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای با دولت‌های منطقه منجر شده بود، سبب بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی در محیط پیرامونی ایران شد. بنابراین، استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران انتخاب کدهای ژئوپلیتیک است که ضمن ارتقای وزن ژئوپلیتیک ایران، سبب تثبیت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شود (فرجی راد و دیگران، ۱۳۹۴).

۳-۴. کدهای ژئوپلیتیک عراق و ایران

۳-۴-۱. وضعیت قومی، نژادی و مذهبی

الف) وضعیت قومی - نژادی: بافت اجتماعی عراق، واحد موزاییکی از قومیت‌ها، مذاهب و فرهنگ‌هاست که اقتضانات خود را بر رفتار سیاسی در محیط داخلی و خارجی عراق تحمیل و شکاف‌های متعددی در حوزه‌های سیاست و اقتصاد ایجاد کرده است. این موزاییکی قومی دنباله‌هایی در خارج از کشور دارد که ضمن ایجاد ناامنی در عراق؛ زمینه‌ای فراهم کرده است که همسایگان عراق در امور داخلی عراق دخالت کنند (سالیانگر و لوران، ۱۳۷۴: ۲۲). در ماده ۳ پیش‌نویس قانون اساسی عراق آمده است: ملت عراق از دو ملیت اصلی عرب و کرد و قومیت‌های اصلی ترکمان، کلدانی، آشوری، سریانی، ارمنی، شبک (فارس)، یزیدیه و صابئین تشکیل شده که همگی در دسترسی به حقوق و واجبات ملی‌شان مساوی هستند. عرب‌ها ۷۵٪ تا ۸۰٪، کردها ۱۵٪ تا ۲۰٪، ترکمنان، آشوریان و غیره حدود ۵٪ از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰٪ تا ۶۵٪ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲٪ تا ۳۷٪ درصد سنی و ۳ درصد مسیحی هستند. بهره‌گیری از فضای جغرافیایی یکپارچه و داشتن سرزمین به‌موازات همبستگی قومی در فضای سیاسی ناهمگون عراق، حضور در رأس حاکمیت و مسند ریاست‌جمهوری، توانایی بازی دوسویه در معادلات سیاسی داخلی و خارجی و حضور در بغداد به‌عنوان کانون سیاسی عراق، برای اقلیم کردستان نقش پررنگی رقم‌زده است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۹). همجواری اقلیم کردستان، با مناطق کردنشین ایران و ترکیه سبب شده است که این گروه قومی یکی از کدهای اصلی ژئوپلیتیک ایران و عراق به‌شمار رود؛ به‌نحوی که از عوامل اصلی و مشترک سیاستگذاری محسوب شود. اکراد عراقی به‌علت داشتن سرزمین، همواره درصد حاکمیت مستقل بوده‌اند؛ بنابراین، توانسته‌اند بعد از سقوط رژیم بعث، با ارتقای وزن ژئوپلیتیک خود، تا سطح خودمختاری و تشکیل اقلیم کردستان پیشرفت کنند (نوریان، ۱۳۹۴).

جدول ۲: میزان پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل گروه‌های عمده قومی- مذهبی عراقی

شاخص / گروه قومی	شیعیان	عرب‌های سنی	کردها	ترکمن‌ها
وسعت جغرافیایی	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	کم
تعداد و تراکم جمعیت	زیاد	متوسط	متوسط	بسیار کم
مجاورت جغرافیایی	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم
منابع غنی زیرزمینی	بسیار زیاد	محدود	نسبتاً زیاد	بسیار کم
پیشینه مبارزه برای استقلال	بسیار کم	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم
پیشینه تمدنی	بسیار زیاد	زیاد	زیاد	کم
همسویی با گفت‌وگو بین‌المللی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	زیاد
کادر رهبری مجرب	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
سازمان‌دهی گروهی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
موقعیت ژئوپلیتیک	بسیار زیاد	بسیار کم	زیاد	کم
جمع‌بندی	پتانسیل بالای استقلال	پتانسیل بالا برای انزوا و عدم استقلال	پتانسیل بسیار بالا برای استقلال	پتانسیل کم برای استقلال

(جلسه خبرگی کارگروه عراق، ۱۳۹۵)

مسأله کردها در عراق، چالشی تاریخی باسابقه سیاسی است که ریشه آن به فروپاشی عثمانی بازمی‌گردد. مسأله کردها در جامعه سیاسی عراق با روندهای متفاوتی همراه بوده؛ به‌نحوی که تاریخ سیاسی عراق روندهایی نظیر درگیری کردها با حکومت عراق و سرکوبشان از طرف دولت مرکزی تا جنگ داخلی، دخالت‌های سازمان ملل و

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۵

خودمختاری مناطق کردنشین را ثبت کرده است. باوجود این، در دهه گذشته و پس از تشکیل حکومت مستقل، کردها نقش بارزی در صحنه سیاسی عراق ایفا کرده و در تشکیل «شورای حکومتی» و تشکیل مجلس و دولت عراق حضور پررنگی داشته‌اند. حضور کردها در دهه گذشته از وزن بالایی برخوردار بود و مسعود بارزانی، جلال طالبانی، فؤاد معصوم و هوشیار زیباری به نمایندگی از کردها در مناصب اجرایی ریاست‌جمهوری، وزارت خارجه و وزارت دفاع و چندین پست وزارت در دولت عراق حضور داشته‌اند (رشید، ۱۳۸۷: ۸۶).

باوجود این، تفاوت نژادی و فرهنگی کردها با سایر اقوام عراقی و شرایط اقلیمی منطقه کردستان عراق، باعث شده‌است میان کردها و دولت عراق بر سر استقلال و خودمختاری درگیری باشد؛ به‌نحوی که در قرن بیستم دولت مرکزی عراق حداقل هفت برخورد نظامی با کردها داشته است. منازعات خشونت‌آمیز کردها و اعراب از رویدادهای مهم عراق از ابتدای استقلال آن کشور است؛ به‌نحوی که مطابق تاریخ سیاسی هشتادساله عراق، کردها یا در حال مذاکره و یا جنگ با دولت مرکزی برای کسب خودمختاری بوده‌اند. دولت مرکزی همواره سعی در عربی‌کردن کردستان از طریق تصفیه قومی و جابه‌جایی اجباری جمعیت داشته‌است. اگرچه شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به جریان‌های کردی، اجازه استقلال از جغرافیای عراق را نداده؛ باوجود این، کردستان عراق به دلیل وزن بالای ژئوپلیتیک؛ اهرمی قوی برای بی‌ثباتی و تغییر روندهای سیاسی در عراق به‌شمار می‌رود و در برهه‌های زمانی، جغرافیای انسانی کردستان توان برهم زدن موازنه قوا در عراق را داشته است. بنابراین، گرایش به گریز از مرکز کردها همواره از عوامل مهم بی‌ثباتی‌های داخلی عراق بوده و این مورد در زمان‌هایی که دولت مرکزی از قدرت کمتری برخوردار بوده، تشدید شده است.

ب) وضعیت مذهبی - ایدئولوژیک: تا قبل از سقوط رژیم بعث، عرصه بر اکثریت شیعیان عراقی تنگ بوده‌است؛ به‌ویژه طی جنگ تحمیلی عراق با ایران، که رژیم بعث در سطح گسترده‌ای اقدام به دستگیری، شکنجه و اعدام شیعیان؛ مخصوصاً رهبران شیعی می‌کرده‌است و هزاران نفر از شیعیان شهید، تبعید و یا اخراج شده‌اند، حکام عراق ضمن ابراز نگرانی از گسترش و حاکمیت تفکر شیعی در این کشور تلاش می‌کردند رهبران شیعه را به نحوی کنترل کنند و یا از میان بردارند. "سید محمدباقر صدر" از رهبران شیعی عراق، طی همکاری اطلاعاتی رژیم بعث با دول عربی ربهوده و از صحنه سیاسی عراق حذف شد. به‌رغم وجود اکثریت شیعه در ترکیب ارتش و دستگاه‌های دولتی، شیعیان همواره از دستیابی به مناصب کلیدی محروم بودند. سیاست رژیم بعث در محدودسازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی موردحمایت کشورهای عربی قرار داشت و دولت‌های عرب منطقه به دلیل تمایزات مذهبی هیچ‌گاه خواهان قدرت یافتن شیعیان عراق نبوده‌اند. بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق، قدرت معنوی شیعیان در تحولات غرب آسیا نمود یافته و بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان تأثیر بیشتری گذاشته است؛ به‌ویژه که بالغ‌بر ۷۰ درصد شیعیان در حاشیه خلیج فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند (قصاب زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

تحولات ناشی از سقوط رژیم بعث و خروج شیعیان از تنگنای سیاسی، نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. برخلاف گذشته اکثریت مجلس نمایندگان، نخست‌وزیری و پست‌های دولتی اکنون در اختیار شیعیان است. سقوط بعث، نقطه عطفی در روند حضور شیعیان در میدان سیاست و برخوردارگی از هویت دوگانه سیاسی و مذهبی در جامعه عراق محسوب می‌شود. پس از صدام، شیعیان توانسته‌اند با اتکا به مؤلفه‌های قدرت، از فرصت بهره‌برداری کنند و حضور خود را در عراق گسترش و تعمیق بخشند. امروزه هیچ قدرتی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۷

نقش آفرینی کند و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن از وزن بالایی برخوردارند، تأثیرگذار باشد. ظهور عراق جدید که در آن شیعیان سهم عمده‌ای در قدرت دارند، پیامدهای گسترده‌ای برای ژئوپلیتیک خاورمیانه دارد. در میان کشورهای همسایه عراق؛ ایران و ترکیه در مقابل این تحولات مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند؛ اما از نظر کشورهای عرب همسایه، این تغییرات به‌منزله تهدیدی برای هویت عربی و حاوی پیامدهای سوء و بی‌ثبات‌کننده برای منطقه تلقی می‌شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹). اصل یازدهم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده‌است که سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ بنابراین، سیاست جمهوری اسلامی مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد «تکثرگرایی و وحدت طلبی دینی» اعلام شده است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). انقلاب اسلامی جرقه خیزش و تقویت شیعه بوده، شیعیان جهان، ایران را مأمن خود می‌دانند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). پیوند تاریخی، سیاسی و عقیدتی شیعیان عراقی با جمهوری اسلامی، سبب شده‌است که به‌مجرد حضور در رأس حاکمیت عراق، رهنمودهای اسلام و آموزه‌های مذهب تشیع، الهام‌بخش مبارزات آنها شود و اعتقادات اسلامی و شیعی نظیر «شهادت، عدالت، غیبت، انتظار، جهاد نفی ظلم و ظالم، رهبری مرجعیت» به حرکت‌های مردمی در عراق جهت دهد (احمدی و حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

۲-۳-۴. **هیدروپلیتیک ایران و عراق:** مسأله آب، از مهم‌ترین کدهای ژئوپلیتیک عراق است که در آینده از چالش‌های اصلی سیاست خارجی عراق می‌شود. منابع آبی ایران و عراق به چهار دسته رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، هورها، سدها و آب‌های ساحلی خلیج فارس تقسیم می‌شوند (عزتی، ۱۳۸۱: ۲۷). در مثلث کشورهای حوزه دجله و فرات (ترکیه، عراق و سوریه)، عراق از دو جهت از نظر منابع آبی تحت فشار قرار دارد: از یک سو نگران سدسازی سوریه و از سوی دیگر نگران تهدیدهای ترکیه است. شدت خشکسالی‌ها و نیاز ترکیه و

سوریه به آب، سبب شده بیشتر منابع آبی سرشاخه‌های دجله و فرات توسط این دو کشور کنترل شود. منابع آب‌های سطحی عراق سالیانه ۸۰ میلیارد مترمکعب است که ۳۱ میلیارد مترمکعب به رودخانه فرات و ۵۰ میلیارد مترمکعب از رودخانه دجله است؛ درحالی‌که حجم سالیانه ریزش باران در عراق ۱۰۰ میلیارد مترمکعب است. با توجه به ذخایر آب‌های زیرزمینی ایران که حدود ۳۵ میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود و میزان آب‌های سطحی که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد مترمکعب بیان‌شده، ذخایر آبی قابل استحصال ایران ۱۳۵ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود. با این میزان آب قابل استحصال، سرانه آب ایران در سال ۲۰۱۱م، حدود ۱۸۵۰ مترمکعب خواهد بود. به دلیل موقعیت فرادستی ایران نسبت به عراق، مسیر رودخانه‌های مرزی ایران و عراق، شرقی-غربی است و در پس‌کرانه‌های رشته‌کوه‌های زاگرس آبخوان‌های طبیعی شکل‌گرفته‌اند که به‌سوی پهنه سرزمینی عراق جریان دارد و به حوزه آبریز عراق سرازیر می‌شوند و همین عاملی شده‌است تا به آمار حجم آب‌های در دسترس عراق، آمار میزان آب‌های سطحی که از خاک ایران وارد عراق می‌شود، افزوده شود که سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب به سمت عراق وارد می‌شود.

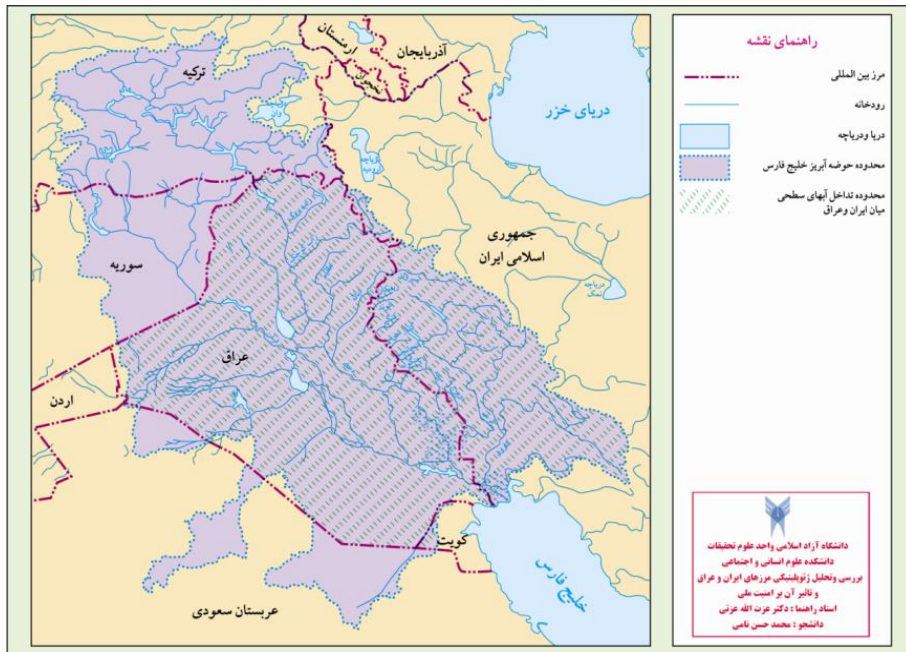
جدول ۳: وضعیت منابع آبی ایران (۱۳۹۴) و عراق (۱۳۹۳) (کلانتری، ۱۳۹۵: ۸۶)

کشور	مساحت (km ^۲)	متوسط بارش سالیانه (میلیارد مترمکعب)	حجم ریزش بارش (میلیارد مترمکعب)	حجم آب‌های سطحی (میلیارد مترمکعب)	منابع آب‌های زیرزمینی (میلیارد مترمکعب)
ایران	۱۸۷۳۹۵۹	۲۵۰	۳۴۰	۸۴/۶۲۲	۲۹
عراق	۴۳۷۰۷۲	۷۶	۸۰	۷۸	۲

ایران با عراق از نظر جریان‌های آب‌های سطحی بیشترین پیوند توپوگرافیک و تداخل حوزه آبریز را دارد. به‌علت قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت

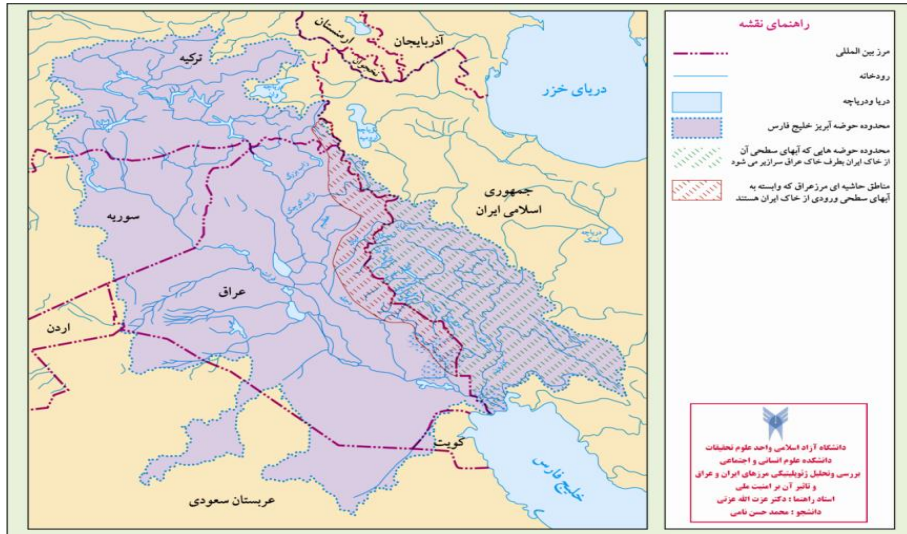
بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۹

کوهستانی، سالیانه میلیاردها مترمکعب آب‌های سطحی ایران به عراق جریان می‌یابد. از مجموع ۳۰ میلیارد مترمکعب آب‌های حوزه آبریزی که سالانه توسط ۶۸ رودخانه از مرزهای خارج می‌شود، ۴ میلیارد مترمکعب به حوزه آبریز عراق می‌ریزد. با توجه به بیلان آبی کشور عراق و ذخایر منابع آب زیرزمینی عراق که حدود ۲ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود، می‌توان گفت سرانه آبی هر نفر در سال ۲۰۱۱ در عراق ۲۸۵۰ مترمکعب در سال بوده است (رشید، ۱۳۸۷: ۷۸).



نقشه ۱: تداخل حوضه‌های آبریز ج.ا.ایران و عراق و رودخانه‌های ورودی ایران

به خاک عراق (عزتی و نامی، ۱۳۸۷: ۱۰۲)



نقشه ۲: مناطق حاشیه مرز عراق که توسط آب‌های سطحی ورودی از خاک ایران استفاده می‌کنند (عزتی و نامی، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

باینکه عراق از نظر منابع آبی در وضعیت بهتری قرار دارد؛ اما به خاطر موقعیت جغرافیایی، منابع آبی این کشور با تهدید جدی مواجه است. داشتن موقعیت پایین‌دستی تهدید و تنگنایی هیدروپلیتیک برای عراق محسوب می‌شود. ترکیه و ایران به خاطر قرار گرفتن کانون‌های آبرگیر و سرچشمه رودخانه‌های عراق در قلمروشان از مزیت هیدروپلیتیک بسیار بالایی نسبت به عراق برخوردارند. رودخانه‌ها اصلی‌ترین منابع آبی سطحی عراق هستند. مهم‌ترین رودخانه عراق دو رودخانه دجله و فرات هستند که در سرتاسر این کشور جریان می‌یابند. علاوه‌براین، شط‌العرب و چهار رود زاب کوچک، زاب بزرگ، دیاله و عظیم‌رود در این سرزمین جریان دارند که به رود دجله متصل می‌شوند. همه این رودها از خارج از عراق (ایران، ترکیه و سوریه) سرچشمه می‌گیرند. با توجه به سرچشمه گرفتن دو رود زاب کوچک و دیاله از ایران و جریان سایر رودها از دامنه‌های

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۱

غربی سلسله جبال زاگرس در ایران (۲۵ رودخانه) که سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب آب سطحی این کشور را به دجله و حوضه آبریز آن سرازیر می‌کنند، می‌توان گفت که درصد قابل توجهی (نزدیک به یک‌پنجم) از آب دجله از منابع آب سطحی ایران تغذیه می‌شود (نهای، ۱۳۷۸: ۷۱).

جدول ۳: منابع آبی و میزان سرانه آب در ایران و عراق در سال ۱۳۹۳ (کلانتری، ۱۳۹۵: ۸۹)

کشور	مساحت (km ^۲)	جمعیت (۲۰۱۱م)	حجم آب دریافتی از بارش (m ^۳)	حجم آب‌های سطحی (m ^۳)	حجم آب‌های زیرزمینی (m ^۳)	مقدار آب قابل استحصال (m ^۳)	سرانه آب در سال ۱۳۹۳ (مترمکعب)
ایران	۱۸۷۳۹۵۹	۷۴۸۰۰۰۰۰	۲۵۰	۸۴	۲۹	۱۱۳	۱۷۳۰
عراق	۴۳۵۰۵۲	۳۲۷۰۰۰۰۰	۸۰	۷۸	۲	۸۰	۲۷۱۰

۳-۳-۴. قوم عرب و ادعاهای انضمام طلبانه کشور عراق: قوم عرب مستقر در خوزستان، یکی از کدهای ژئوپلیتیک ایران و عراق هستند. خوزستان با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع به لحاظ هویت تاریخی همواره مورد ادعای عراق بود. عراق با استناد به نژاد عرب آنها ادعاهای توسعه طلبانه خود را درباره تجزیه خوزستان مطرح می‌کرد. با تجزیه عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق و کویت؛ شیخ خزعل در صدد تجزیه خوزستان و حکمرانی بر آن شد که با مداخله رضاشاه غائله خزعل پایان گرفت (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۸). مجموعه فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه‌ای شد تا عراق مجدداً پس از انقلاب ادعاهایش نسبت به این منطقه را مطرح کند. اقلیت عرب جدایی طلب، این استان را کانون توجه زمامداران عراق قرارداد؛ به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. عراق در تلاش بود با گفتمان پان عربیسم و جذب نواحی عرب نشین موجب جدایی خوزستان شود. بنابراین، سعی در تحریف تاریخ خوزستان نمود و در این خصوص نقشه‌هایی چاپ کرد که خوزستان بانام عربستان عنوان شده بود (رشید، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۶). ادعای آزادسازی و الحاق گرایانه دولت عراق و سوءاستفاده از تقسیمات فرقه‌ای و قومی، از عواملی است که جنگ بین ایران و عراق را پیچیده کرد. هنگامی که عراق با عبور از شط العرب (اروند رود) وارد استان خوزستان شد، هدفش را آزادسازی "عربستان" اعلام کرد (سالار نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸). ادعای سرزمینی نسبت به استان نفت خیز خوزستان و اختلاف بر سر تعیین مرزهای آبی، شرایط دشواری را در روابط دو کشور ایران و عراق رقم زده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۷۶)؛ به طوری که جریان‌ها و گروه‌های تجزیه طلبی، همچون: اتحادیه عرب خوزستان، جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه التحریر، فداییان خلق و حزب کارگران سوسیالیست از جدایی طلبانی‌اند که در صددند زمینه جدایی از ایران را فراهم کنند (بیژنی و عزتی، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۱).

۴-۳-۴. **تنگنای دسترسی به خلیج فارس:** محصور بودن نسبی عراق در خشکی و دسترسی محدود به آب‌های آزاد، تنگنایی ژئوپلیتیک ایجاد کرده، تلاش برای رفع این تنگنا، تمایل استراتژیک عراق محسوب می‌شود (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۸: ۱۴۳). طول کرانه دریایی عراق حدود ۵۸ کیلومتر است که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار دارد. با احتساب طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد؛ بر همین اساس، کرانه‌های جنوبی عراق به دلیل عدم تأمین نیاز عراق، ناکارآمد است (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۶). بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر در خلیج فارس هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت‌وآمد نفت‌کش‌ها مناسب نیستند. این امر از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی محسوب می‌شود؛ به نحوی که رفتار سیاسی-نظامی عراق را تحت تأثیر قرار داده، مانع بازیگری عراق در این منطقه ژئوپلیتیک می‌شود. چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۸). گسترش خط ساحلی و دسترسی آسان به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف استراتژیک عراق بوده که از طریق پیوستن خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت و حاکمیت بر دو جزیره کویتی ورهبه و بوییان امکان‌پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه‌ای عراق سبب شده‌است تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع، این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیک انگیزه‌ای برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می‌کند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۵).

۴-۳-۵. **اروندرود:** عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل آن کشور سرچشمه گرفته باشد و رودخانه‌هایی که وارد عراق می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۵). این مسأله در سیاست خارجی و مناسبات دو کشور عراق و ایران از

حساسیت قابل توجهی برخوردار است؛ زیرا اغلب رودخانه‌های جاری در عراق از کشورهای همسایه سرچشمه گرفته و به نوعی عراق را در گروگان خود قرار داده‌اند؛ بنابراین، در مواقع لازم می‌توانند اهرم فشارهای لازم را بر عراق وارد کنند.

اروندروود از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون، پس از طی مسافت طولانی در محلی به نام قصبه فیلکیه به خاک ایران می‌رسد (منصوری، ۱۳۷۷: ۴۸). این رود میان ایران و عراق مشترک است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. رودخانه اروند باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شد؛ اما عراق مدعی مالکیت کامل بر رودخانه بود و مرز را ساحل ایران می‌دانست. با این فرض، اروندروود جزو آب‌های داخلی عراق به‌شمار می‌آمد و حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه می‌بایست با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام می‌شد (پارسا پور، ۱۳۸۹). به موجب عهدنامه الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به‌منزله خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندروود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد؛ به‌ویژه با سقوط نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها خواستار برقراری حاکمیت مطلق بر اروندروود شدند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از سال ۱۹۷۵ برگردند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۵).

مهم‌ترین تعارضات مرزی و ارضی حل‌نشده میان ایران و عراق اروندروود است که در وضعیت آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک عراق در منطقه و محدودیت دسترسی این کشور به سواحل خلیج فارس ریشه دارد و سبب دامن زدن این کشور به این مسأله شده و آن را به مهم‌ترین منبع بحران و تنش در روابط دو کشور مبدل کرده است (رشید، ۱۳۸۷: ۹۲).

این آبراهه، تنها مسیر دریایی حیاتی میان خلیج فارس و قلمروهای داخلی عراق است. مرز میان دو کشور در مسیر اروندروود حدود ۹۱ کیلومتر است که در شش کیلومتر ابتدایی با خلیج فارس، عراق این مسیر حیاتی خود را در معرض آسیب‌پذیری می‌داند؛

به‌نحوی که هشت سال جنگ ایران و عراق، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات کرد. در محاسبات صدام برای ضمیمه کردن کویت در سال ۱۹۹۱م، اصلاح این آسیب‌پذیری نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (فولر، ۱۳۹۰: ۴۹). تحدید حدود مرز ایران و عراق با همکاری خوب دو کشور از سال ۱۳۸۹ه.ش، شروع شد و روند اجرایی آن با هماهنگی کامل گروه‌های فنی مشترک ادامه دارد.

۵- نتیجه‌گیری

طی نیم‌قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده است. در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته و گرایش‌ها از تخاصم به همکاری نزدیک شده است. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردارند. بررسی ژئوپلیتیک عراق عوامل متغیر و به‌ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی در سیاست خارجی ایران برخوردار است؛ اما سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته عامل نگرانی برای همسایگان و همچنین امنیت منطقه‌ای بوده است. بحران‌های اخیر و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان‌می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعث، ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران مربوط به موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی عراق است. وضعیت خاص ژئوپلیتیک عراق، می‌تواند به چالش امنیتی ایران تبدیل شود. تأثیر این عامل در کنار ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی نوسان داشته؛ ولی به‌طور تقریبی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق بوده است. وجود منابع عظیم نفتی، چالش دسترسی به آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان، اختلاف در استفاده از رودهای مشترک، اقوام و مذاهب مختلف در

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۷

این کشور، از شاخص‌های چالشی عراق است که دارای اثر منفی بر امنیت ملی ایران است. تاریخ عراق نشان داده‌است که شرایط ویژه ژئوپلیتیک عراق، فارغ از نوع حکومت این کشور، همواره از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور بوده است.

عراق جزء لاینفک استراتژی ژئوپلیتیک ایران است. اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن نقش این کشور ناقص است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک عراق که بر امنیت ملی ایران تأثیر دارد، اولویت انرژی، تعاملات اقتصادی و سیاسی ناشی از آن و نیز روابط مذهبی بر پایه مذهب شیعه و تعلق خاطر مردم دو کشور به مراکز مهم مذهبی و نیز مرزهای دو کشور است. برای ارائه یک استراتژی ژئوپلیتیک مناسب میان ایران و عراق باید این برگ‌خریده‌های مهم ژئوپلیتیک لحاظ گردد. آنچه آشکار است، وجود تنگناهای ژئوپلیتیک است که گریبانگیر عراق است و سبب شده عراق از لحاظ ژئوپلیتیک به ایران وابسته شود. این وابستگی ژئوپلیتیک سبب شده عراق مجبور به اتخاذ سیاست مثبت و یا منفی در برابر ایران باشد. به عبارت بهتر، ژئوپلیتیک عراق سبب شده همواره یا با ایران و یا علیه ایران باشد و اتخاذ سیاست خنثی و بی‌طرفی از سوی عراق نسبت به ایران عملاً غیرممکن است. وجود حکومت قدرتمند و مقتدر در عراق که توان عرض‌انداز در برابر ایران را داشته باشد، به سبب آنکه درصدد است تا از میزان وابستگی ژئوپلیتیک خود بکاهد، همواره باعث افزایش چالش ژئوپلیتیک میان طرفین خواهد شد، با وجود این، حضور حکومت ضعیف در عراق، به افزایش وابستگی ژئوپلیتیک این کشور به ایران منجر خواهد شد و در چنین وضعی شاهد شکل‌گیری حداکثر همگرایی منطقه‌ای میان دو کشور خواهیم بود.

کدهای ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، حول سه محور هویت ملی- مذهبی، جغرافیای سیاسی و انزوای ژئوپلیتیک است. منابع عظیم نفتی، تنگنای ژئوپلیتیک و رقابت هویتی عرب-عجم، عامل اصلی برای تحت‌الشعاع قرار دادن امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. نوع حاکمیت عراق، اثر بسزایی در امنیت ملی ایران دارد.

حضور رژیم بعث و یا اقلیت اهل تسنن در رأس حاکمیت عراق، این کشور را به دشمن اصلی ایران مبدل می‌کند و اثر مستقیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد داشت. درحالی‌که حضور اکثریت شیعی در رأس حاکمیت، به عراق، وجه دوگانه می‌بخشد که این دوگانگی بسته به وضعیت عراق، متفاوت خواهد بود. عراق بحران‌زده و درگیر جنگ داخلی، بی‌توجه به هویت عربی و چالش‌های ژئوپلیتیک، به ایران با نگاه شریک راهبردی می‌نگرد که برای مقابله با چالش‌های امنیتی به او کمک می‌کند. باوجوداین، نسبت به هویت ملی و انزوای ژئوپلیتیک خود واکنش نشان می‌دهد و برای تحکیم و تقویت آن برنامه‌ریزی می‌کند. اما عراق پس از بحران داخلی (با حفظ جغرافیایی فعلی)، که شیعیان حاکمیت را در اختیار دارند، عراقی است که نه یک شریک راهبردی و نه دشمن ایران محسوب می‌شود؛ بلکه عراقی که تبدیل به رقیب استراتژیک ایران شده، رقابتی راهبردی با ایران خواهد داشت و درصدد است برای نیل به اهداف ملی و تأمین حداکثری منافع خود، از شاخص‌های ژئوپلیتیک رقابت‌پذیر خود، به‌عنوان اهرمی برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. ژئوپلیتیک نفت و درآمدهای عظیم حاصل از فروش منابع نفتی برای توسعه عراق، تأکید بر هویت عربی در اجلاس‌ها و نشست‌های طرفین، حفر کانال به طول پنجاه کیلومتر در عمق منطقه بصره که دارای ظرفیت کشتیرانی است و نفت‌کش‌ها با قابلیت پهلوگیری در این بندرها، ظرفیت بسط ژئوپلیتیک عراق را دارند و نمونه‌های مشابه، از زمینه‌های شکل‌گیری رقابت راهبردی میان عراق و ایران است که پیش‌بینی می‌شود در آینده دارای آثار مستقیم بر امنیت ملی ایران باشد.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری این‌جانب با عنوان ژئوپلیتیک روابط ایران و عراق است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است. از زحمات آقای دکتر عبدالرضا فرجی‌راد که راهنمای رساله این‌جانب و آقای دکتر رحیم سرور که عهده‌دار مشاوره رساله این‌جانب بودند، سپاسگزاری می‌کنم.

منابع

- احمدی، عباس و محمدرضا حافظ‌نیا. (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هشتم، ش ۳۰، تابستان.
- آریانپور کاشانی. (۱۳۶۳). فرهنگ لغت انگلیسی، تهران: نشر امیرکبیر.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- افتخاری، اصغر و قدیر نصری. (۱۳۸۳). روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- امیری، هاشم. (۱۳۹۴). «سازمان‌دهی استعماری فضا؛ زیربنای ناامنی‌های جنوب شرق ایران»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- بلیس، جان. (۱۳۷۸). امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه: حسین محمدی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
- بیژنی، علی و عزت‌الله عزتی. (۱۳۸۷). «کالبدشکافی جنبش‌ها و گروه‌های قومی در استان خوزستان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال پنجم، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۷.
- پارساپور، روزبه. (۱۳۸۹). اروندرود؛ یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران‌زمین، کانون پژوهش‌های خلیج فارس، برگرفته از سایت اینترنتی: www.persiangulfstudies.ir.
- ترابی، یوسف. (۱۳۸۸). «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، ش اول، بهار و تابستان.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۸). «بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۴۷، فروردین و اردیبهشت.
- _____ (۱۳۸۸). «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، ش ۲۶، بهار و تابستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

_____ (۱۳۹۲). گرایش سیاست خارجی ایران باید چگونه باشد؟،

قابل دسترسی در سایت به نشانی <http://hafeznia.ir>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱۱/۲.

_____ (۱۳۸۹). نظریه استراتژی‌های ژئوپلیتیکی تولید صلح، امنیت و

توسعه. قابل دسترسی در سایت به نشانی <http://hafeznia.ir>، تاریخ دسترسی

۱۳۹۴/۱۰/۲۷.

حسین پور پویان، رضا. (۱۳۹۲). «تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق

ژئوپلیتیکی». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۲.

حسینی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق. مجموعه مقالات

تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و

تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

خسروی، غلامرضا. (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق

جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش اول، بهار.

خلیلی، محسن. (۱۳۹۰). «بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»،

مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: سوم اسفند.

خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری، هادی صیادی و حسین اصغری. (۱۳۹۱). «مدل‌سازی

ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات

جهان اسلام، سال اول، شماره سوم، پاییز.

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، اصغری‌ثانی، حسین. و صیادی، هادی. (۱۳۹۳).

«ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه»،

فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳.

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی و حسین اصغری‌ثانی. (۱۳۹۱). ژنوم‌های

ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه مطالعات

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۹۱

جهان اسلام، سال اول، ش ۳، پاییز.

خلیلی، محسن، صیادی، هادی و جهانگیر حیدری. (۱۳۹۱). پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه پژوهشی: ترکیه و ایران)، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

رشید، غلامعلی. (۱۳۸۷). «نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه موردی، ایران نسبت به عراق)»، رساله دکتری تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

رشید، غلامعلی. (۱۳۸۸). «تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

سالار نژاد، مؤمن. (۱۳۸۹). «تأثیر الگوی نظام سیاسی فدرال احتمالی عراق بر امنیت داخلی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیای سیاسی، استاد راهنما: هادی اعظمی، دانشگاه فردوسی مشهد.

سالیانجر، پیر و لوران، اریک. (۱۳۷۴). جنگ خلیج فارس؛ پرونده محرمانه (ترجمه سوسن احمدزاده)، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

عزتی، عزت‌الله. (۱۳۷۹). ژئواستراتژیک، تهران: سمت.

عزتی، عزت‌الله و محمدحسن نامی. (۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل ژئوپلیتیکی مرزهای ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

فرجی راد، عبدالرضا. (۱۳۹۴). کلید موفقیت برجام: لزوم تعیین استراتژی ملی در سیاست خارجی. قابل دسترسی در دیپلماسی ایرانی به نشانی اینترنتی: <http://irdiplomacy.ir>.

تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱۱/۲۶.

فرجی راد، عبدالرضا؛ امیری، هاشم، هاشمی، سیدمصطفی، علی‌پور، عباس. (۱۳۹۴). جلسه خبرگی با موضوع استراتژی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

فولر، گراهام. (۱۳۹۰). *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. قصاب‌زاده، مجید. (۱۳۹۱). «جایگاه ژئواکونومیکی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد.

قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۹). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، چاپ شانزدهم.

کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۹). «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق عصر صدام»، فصلنامه نگین ایران. سال نهم، ش ۳۲، بهار.

کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر روابط ایران و همسایگان*، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت‌معلم.

_____ (۱۳۸۹). *ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری*، تهران: نشر دانش پویان جوان، چاپ سوم، دی‌ماه.

کلانتری، فتح‌الله. (۱۳۹۵). «نقش عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بر راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات از مبدأ سرزمینی عراق»، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، بهار.

کمپ، جفری و هارکاو، رابرت. (۱۳۸۸). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه: پیشینه، مفاهیم و مسائل*. ترجمه سیدمهدی حسین‌متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول.

کوهن، سوئل. بی. (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۹۳

تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت، چاپ دوم.

_____ (۱۳۹۴). *مصاحبه تخصصی با موضوع استراتژی ژئوپلیتیکی عراق پس*

از صدام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ۱۳۹۴/۱۰/۹.

محمدیان، علی، ترابی، قاسم. (۱۳۹۴). «تأثیر تحولات پس از سقوط صدام بر وضعیت کردهای عراق»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال سوم، ش ۲، بهار و تابستان. منصور، جواد. (۱۳۸۲). *نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر.

موجانی، سید علی. (۱۳۹۴). *ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تأثیر ژئوپلیتیک آن*، تهران: وزارت خارجه.

نهای، غلامحسین. (۱۳۷۸). «عوامل ایجاد و تشدید بحران کم‌آبی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ش ۲۵، بهار.

نوریان، عباس. (۱۳۹۴). «تأثیر کنش‌های سیاسی جریان‌های سیاسی شیعی بر حاکمیت سیاسی عراق»، *جلسه خبرگی برگزارشده در مؤسسه اندیشه‌سازان نور*، تاریخ برگزاری ۱۳۹۴/۱۰/۲۰.

_____ (۱۳۹۴). *جلسه خبرگی کارگروه عراق برگزارشده در مرکز تحقیقات*

راهبردی دفاعی، تاریخ برگزاری ۱۳۹۵/۲/۶.

تاریخ، www.persianguelfstudies.com/userfiles/images/PDFlogo.jpg&imgrefurl

دسترسی ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

Taylor, P.J.(۱۹۹۴). *Political Geography world economy, nation state and locality*, Longman Scientific and Technical New Yourk.

C. Troll (١٩٤٩): Geographic science in Germany during The Period ١٩٣٣-١٩٤٥,
American Geographers, Vol. ٣٩, No. ٢ (Jun., ١٩٤٩).

Parker, Geoffrey (١٩٨٨); The Geopolitics of Domination, Publisher: Routledge
Kegan & Paul (August ١٩٨٨), ISBN-١٠: ٠٧٠٩٩٤٠٨٢٣